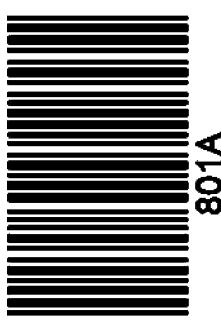


کد کنترل

801

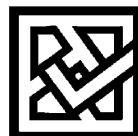
A

Www.arabimahya.com



عصر پنج شنبه
۱۴۰۳/۱۲/۰۲

دفترچه شماره ۱۳ از ۳



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«علم و تحقیق، کلید پیشرفت کشور است.»
مقام معظم رهبری

آزمون ورودی دوره‌های دکتری (فیمه‌متمرکز) – سال ۱۴۰۴ زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

مدت زمان پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰ سؤال

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عربی – کلیات ادبی (تاریخ ادبیات – دستور – عروض و قافیه – نقد و نظریه‌های ادبی معاصر)	۳۵	۱	۳۵
۲	بلاغت	۵	۳۶	۴۰
۳	متون نظم – متون نثر	۴۰	۴۱	۸۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقيقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با مخالفین برابر مقررات رفوار می‌شود.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات کادر زیر، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

زبان عربی - کلیات ادبی (تاریخ ادبیات - دستور - عروض و قافیه - نقد و نظریه های ادبی معاصر):

■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم و غيرها: (٨-١)

١- ﴿ و جعلنا من الماء كُلَّ شَيْءٍ حَيٌّ ﴾ عِنْ الصَّحِيفَ:

١) و هر موجودی را از آب، زنده آفریدیم!
 ٢) و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم!
 ٣) و هر چیزی را به وسیله آب، زنده قرار دادیم!
 ٤- «کان کتاب الدّوّاوین یوسعون ثقافتهم ما استطاعوا، و اهتموا خاصّةً بالثقافة الفلسفية اهتماماً قد عمق أفكارهم!»:

١) کاتبان دربار به اندازه توان خود، فرهنگ خویش را توسعه دادند و به گونه ای که آراء و اندیشه هایشان پریار گردد، به فرهنگ فلسفه نیز توجه داشتند!

٢) کاتبان حکومتی فرهنگ خویش را تا جایی که برایشان امکان داشت توسعه می دادند و مخصوصاً به فرهنگ فلسفی آنچنان توجه کردند که باعث عمیق شدن افکارشان شده بود!

٣) فرهنگ منشیان دیوان تا آنجا که امکان داشت توسعه یافت و آنها به طور خاصی به فرهنگ فلسفی اهتمام داشتند تا جایی که باعث ژرف نگری در افکار آنها شده بود!

٤) منشیان در دستگاه حکومتی به قدر استطاعت خویش فرهنگشان را گسترش می دادند، تا آنجا که نظرشان به فرهنگ فلسفی به قدری جلب شده بود که به تعمیق افکارشان انجامید!

٣- «إِنَّهُ كَانَ مَشْغُوفًا بِالْقِرَاءَةِ فَذَلِكَ جَعَلَ كُتُبَهُ وَ رِسَالَتَهُ أَشْبَهَ مَا تَكُونُ بِدُوَائِرِ مَعَارِفٍ، فَلِيَسْ هُنَّاكَ نُوْعٌ مِّنْ أَنْوَاعِ الْتَّفَاقَةِ فِي عَصْرِهِ إِلَّا وَ تَسْرِيَتْ مِنْهُ فَرُوعٌ إِلَى تَأْلِيفَاتِهِ!»:

١) او آن قدر شیفته مطالعه بود که کتاب ها و نامه های وی بیشتر شبیه دائرۃ المعارف ها شده است، و تمام انواع فرهنگ زمانه اش در آثار وی منعکس شده است!

٢) وی علاقه بسیار زیادی به خواندن داشت بنابراین نوشه هایش بیشتر مثل دائرۃ المعارف ها است تا کتاب، و هیچ گونه ای از فرهنگ دوره وی نیست که در آثارش وجود نداشته باشد!

٣) علاقه زیادی که او به مطالعه داشت سبب شد تا آثار وی چون دائرۃ المعارف شود، و هر آنچه در فرهنگ آن دوره وجود داشت و نیز زیر مجموعه های آنها به تألیفات وی نفوذ کرده است!

٤) او شیفته خواندن بود، همین امر کتاب ها و رساله های وی را شبیه ترین چیز به دائرۃ المعارف هایی قرار داده است، پس هیچ نوع از فرهنگ زمان او وجود ندارد مگر آنکه شاخه هایی از آن به نوشه هایش نفوذ کرده باشد!

۴- «**فَأَلَيْتَ لَا يَنْفَكَ كَشْحِي بَطَانَةً لَعْضَ رَقِيقِ الشَّفَرَتَيْنِ مَهْدِ!**»:

- ۱) تصمیم گرفتم از پهلوی او کنار نروم، گرچه شمشیر برآن تیز هندی بر فرقم کشند!
- ۲) سوگند یاد می‌کنم که پهلویم از شمشیر برآن نازک‌لبه هندی فاصله نگیرد!
- ۳) اراده کردم که از همنشینی با یار آزاده باریک‌میان هندی دست نکشم!
- ۴) قسم می‌خورم شمشیر برآن نازک‌لبه هندی مرا ترک نخواهد کرد!

۵- عین الخطأ:

- ۱) لما أتى الوادي لم ير عليه قطرة و رأى الذئب قد أدركه؛ هنگامی که کنار نهر آمد، پل روی آب را ندید، اما فهمید که گرگی به او نزدیک شده است،
- ۲) فألقى نفسه في الماء، و هو لا يُحسن السباحة؛ پس خود را در آب انداخت درحالی که خوب از عهده شنا کردن بر نمی‌آمد؛
- ۳) و كاد يغرق لولا أن بصر إليه قوم من أهل القرية؛ و اگر گروهی از مردم روستا او را نمی‌دیدند نزدیک بود غرق شود؛
- ۴) فألقوا أنفسهم في الماء لإخراجه، فأخرجوه و قد أشرف على الهاك!؛ پس برای بیرون آوردن او خود را به آب انداختند و درحالی که در آستانه مرگ قرار گرفته بود، او را بیرون کشیدند!

۶- عین الآية تختلف مع الآيات الأخرى في المفهوم:

- ۱) ﴿وَ مَا رَمَيْتَ إِذَا رَمَيْتَ وَ لَكُنَّ اللَّهُ رَمِيٌّ﴾
- ۲) ﴿وَعِنْهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾
- ۳) ﴿إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾
- ۴) ﴿فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنَّ أَرَادَ بَكُمْ ضَرًّا﴾

۷- عین الصحيح:

«براساس منابع سنتی و طبق شواهد تاریخی، دیانت اسلام در طول قرون اولیه هجری به طریقی صلح‌آمیز و بیشتر از طریق تاجران به سرزمین‌های دوردست راه یافته است»:

- ۱) استناداً إلى المصادر التقليدية و حسب الشواهد التاريخية فقد دخل الدين الإسلامي طيلة القرون الهجرية الأولى البلاد النائية بأسلوب سلمي و عن طريق التجار في الغالب.
- ۲) على أساس المصادر التقليدية و على حسب الشواهد التاريخية إن الدين الإسلامي كان قد دخل البلاد البعيدة طوال القرون الأولى من الهجرة بسلم و بواسطة التجار غالباً.
- ۳) إن دين الإسلام قد ورد إلى الأراضي البعيدة في طول القرون الأولى بسلامة و بيد التجار و تدل على ذلك الأمر المصادر التقليدية و المصادر التاريخية.
- ۴) دين الإسلام دخل إلى الأراضي النائية بواسطة التجار و بوجه سلمي طوال القرون الأولى من الهجرة.

-۸ «نوشته‌های تاریخی عرب از عناصر بیگانه‌ای که در ایجاد آن سهیم بوده است تأثیرپذیرفته، و این موضوع قابل انکار نیست!»: عین الصحيح:

- ۱) كتابات العرب التاریخیة تأثرت بعناصر أجنبیة كانت مشاركة في نشأتها و هذا أمر لا ينكر!
- ۲) الكتابات التاریخیة العربية أثرت على العناصر الأجنبية التي كانت مساهمة في إيجادها وهذا غير منكور!
- ۳) هناك عناصر في الكتابة للأعراب لم تخلق من عدم، بلحضارات هي التي نمت وتطورت بسببها و هذا لا ينكره أحد!
- ۴) العناصر للكتابة للعرب لا توجد من عدم، بل هناك حضارات غربية نمت تلك الحضارات و شاركت في تحولها!

■ ■ عین الخطأ في الإعراب و التحذيل الصرفی (۹-۱۱)

-۹ «و أجعل لي وزيراً من أهلي، هارون أخي. أشدد به أزري و أشركه في أمري»

- ۱) هارون: اسم ممنوع من الصرف و بدل كل من كل تابع للمبدل منه «وزيراً»
- ۲) أخي: من الأسماء الخمسة أو الستة و عطف بيان و منصوب تقديرًا بالتبعية للمعطوف عليه «هارون»
- ۳) وزيراً: مفعول به لفعل «أجعل»، من أهل: جار و مجرور و شبه الجملة مفعول به ثان لفعل «أجعل»
- ۴) أشدد: فعل أمر - صحيح و مضاعف - جائز الإدغام و التفكيك، فاعله ضمير مستتر فيه وجواباً تقديره «أنت»

-۱۰ «و ما أنت إلا جيفة طال حولها قيام ضباع أو قعود ذات»:

- ۱) طال: فعل ماض و فاعله «قيام» والجملة فعلية و نعت و مرفوع محلًا بالتبعية للمنعوت «جيفة»
- ۲) جيفة: مستثنى مفرغ و مرفوع على أنه بدل لخبر «أنت» بسبب بطلان عملها لانتقاد خبرها بـ «إلا»
- ۳) أنت: اسم «ما» المشبهة بليس و مرفوع محلًا، جيفة: خبر «ما» المفرد و منصوب
- ۴) قيام: مصدر و مادته أجوف واوی (ق و م) و فاعله «ضباع» المجرور بالإضافة لفظاً

-۱۱ «و إني لتعروني لذكرك هَذَهُ كُما انتقض العصفور بِلَهِ الْقَطْرُ»:

- ۱) تعرو: مضارع - للغائبة - معتل و ناقص (له الإعلال بالإسكان) - متعدّ/ فعل مرفوع تقديرًا، فاعله «هَذَهُ» و الجملة فعلية و خبر «إِنْ» و مرفوع محلًا
- ۲) ذكرى: اسم - مفرد - مؤنث - جامد و مصدر - معرف بالاضافة - معرب - مقصور - ممنوع من الصرف / مجرور تقديرًا بحرف الجرّ؛ ذكرى: جار و مجرور
- ۳) انتقض: ماضٍ - مزيد ثلثي من باب افعال - صحيح و سالم - لازم / فعل و فاعله «العصفور» و الجملة فعلية و مصدر مؤنث
- ۴) ما (كما): اسم غيرمتصرف - موصول عام (الغير ذوي العقول) - معرفة - مبني على السكون / مجرور محلًا بحرف الجرّ؛ كما: جار و مجرور

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية: (١٢-١٥)

١٢ - عین الحرف المضارع مضموماً في كل الأفعال:

٢) زلزل - أقبل - علم - جادل
٤) دحرج - تجرّع - استمرّ - جلس

١) أفعع - استقبل - باشر - تفاهم
٣) تزلزل - تعلم - اجترأ - كاتب

١٣ - عین ما يمتنع فيه الإدغام:

١) لا تمدد يدك لتجني ثمرة زرعها غيرُك!
٢) أشدّدْ أواصرك الأخوية لثلاً تبقى وحيداً في الحياة!
٣) لم يظلّلِ الأمْرُ هكذا؛ فهو في تطور و تحول!
٤) سُررت من زيارتك جدّاً، إذ لم يكن لي خبرٌ عنك!

١٤ - عین ما ليس فيه التمييز:

١) لا يستطيع أحد أن يقول هو خير مني شفقة و رأفة!
٢) إلهم أعظم الناس حيطة من ورائه و المهم لشעنه!
٣) احذروا من الله ما حذركم من نفسه و اخشوه خشية لا تحتاج فيها إلى اعتذار!
٤) لم تكثر دعوة من دعائم عرّة و لا تقل نصيحة من نصحكم تأثيراً مما نحن عليه!

١٥ - عین المشتغل عنه منصوب وجواباً:

١) العلم إن درسته جيداً ينفعك، فاللزم به دائمًا!
٢) هلاً الحسنة تفعلها و تتوقعها من الآخرين!
٣) أولادنا نجازيهم على أفعالهم الحسنة لنشوّقهم في الإكثار منها!
٤) الكتاب طالع مقدمته أولاً ولا تغفل عنها، فإنّها مفيدة لفهم مطالبه!

١٦ - نقش دستوری واژه «هفت» در کدام مورد، با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

چون دلبرانه بنگری در جان سرگردان من
گرفتند هر یک سزاوار جای
دگر کوه و بالا و منزل دو هفت
به هر کار جز پاکزاده نبود

١) هفت آسمان را بردرم وز هفت دریا بگذرم
٢) ابر ده و دو هفت شد کدخدای
٣) یکی از دو راه آنک کاووس رفت
٤) چنین هفت سالش همی آزمود

که مهربانی از آن طبع و خونمی‌آید»

نوع فعل جمله پایه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟
«جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب

٢) فعل کمکی
٤) غيرشخصی

١) مجهول

٣) لازم یک شخصه

- ۱۸- مسندا لیه در بیت زیر، چه ویژگی ای دارد؟
هم سوی تو به دیده احوال کند نظر
 ۱) حذف شده است.
 ۲) نکره است.

- ۱۹- مسندا در بیت زیر، چه ویژگی ای دارد؟
صبح گهان باز درآمد زکوی
 ۱) مقید به قید زمان است.
 ۲) مقدم است.
 ۳) نکره است.

- ۲۰- در کدام مورد، نقش جمله مؤول با دیگر موارد متفاوت است؟
که نفع تو جوید در آزار خلق
کیست کز پیل مسنت نگریزد
که کردار خویش از تو دارد نهان
وینست مشکل که من از وی دورم
 ۱) بداندیش تست آن و خونخوار خلق
 ۲) شیر در وقت خنده خون ریزد
 ۳) چنین است آین و رسنم جهان
 ۴) دوست نزدیکتر از من به من است

- ۲۱- کدام دسته از شاعران زیر، در گروه نازک خیالان قرار می‌گیرند؟
 ۱) بیدل دهلوی - ارادت واضح - وحشی بافقی - میرجلال اسیر
 ۲) صائب تبریزی - طالب آملی - قدسی مشهدی - ظهوری ترشیزی
 ۳) زلالی خوانساری - شوکت بخاری - صائب تبریزی - کلیم کاشانی
 ۴) بیدل دهلوی - غنیمت کشمیری - جویا تبریزی - کلیم کاشانی

- ۲۲- کدامیک از شاعران معاصر، مفهوم بیت زیر از مولانا را در شعر خود آورده است؟
آفتاپ آمد دیل آفتاپ گر دلیلت باید از وی رخ متاب
 ۱) احمد شاملو در شعر با چشمها
 ۲) مهدی اخوان ثالث در شعر شهریار شهر سنگستان
 ۳) سهراب سپهری در شعر مسافر
 ۴) سیاوش کسرایی در شعر آرش کمانگیر

- ۲۳- از بین گزینه‌های زیر، کدامیک را می‌توان نخستین کتابی دانست که در آن، لغات مغولی آمده است؟
 ۱) تاریخ بناتی تألیف فخر بناتی
 ۲) طبقات ناصری تألیف منهاج السراج
 ۳) نظام التواریخ تألیف ناصرالدین البيضاوی
 ۴) مجمع الانساب تألیف محمد بن علی شبانکاره

- ۲۴- این عبارت علامه قزوینی، درباره کدام کتاب است؟
این کتاب نسبیس مشتمل بر سه فن از فنون ادب است: علم عروض و علم قوافی و علم نقد الشعر و به جرأت می‌توان گفت که از ابتدای تدوین علوم به زبان پارسی ... هیج کتابی بدین کمال و تنقیح تألیف نشده است.
 ۱) ابدع البدایع
 ۲) فنون بلاغت و صناعات ادبی
 ۳) المعجم فی معايیر اشعار العجم

- ۲۵- نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی که به زبان فارسی نمایشنامه نوشت، که بود؟
 ۱) آخوند زاده
 ۲) مؤید الممالک فکری
 ۳) میرزا آقا تبریزی

- ۲۶- وزن بیت زیر چیست؟
من از مادری زادم که پارم پدر بود او
 ۱) فعولن فعولن فع // فعولن فعولن فع
 ۲) مفاعلین فعولن // مفاعلین فعولن فع
 ۳) مفاعلین فعولن فع // مفاعلین فعولن فع

- ۲۷- وزن کدام مورد، به درستی بیان شده است؟

- ۱) ای کوه ای بند ضحاک آیا به یادت هست: مجتث اثلم
- ۲) در لجه سرگردانی چون گوی شناور بودم: هزج اخرب ازل
- ۳) دوباره می‌سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش: رجز مرفل مطوى
- ۴) ای پرده برگرفته ز رخ می‌بینمت به پرده دری: مضارع اخرب مکفوف مجبوب

- ۲۸- وزن اصلی این بیت چیست؟

«جنبشه سرو تو پنداری کز باد صباست؟ نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است»

- ۱) فاعلات فاعلاتن فعلات فعلات فاعلاتن
- ۲) فاعلات فاعلاتن فعلات فعلات فاعلاتن
- ۳) فاعلات فعلون فعلات فعلات فعلون

- ۲۹- در این بیتها که از یک قصیده واحد بر مبنای چاپ‌های مشهور کلیات سعدی انتخاب شده‌اند، از منظر قواعد قافیه، قافیه کدام بیت نادرست است؟

- ۱) خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست
- ۲) کدام باد بهاری وزید در آفاق
- ۳) نگاه دار زبان تابه دوزخت نبرد
- ۴) زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی!

از نظر شعرای قدیم، کدام دو کلمه نمی‌تواند با هم قافیه شوند؟

- ۱) کور - زور
- ۲) سیب - کتیب
- ۳) بدید - لذید

- ۳۱- شعر زیر، به کدام مکتب / جنبش ادبی تعلق نزدیک تری دارد؟

«در ایستگاه مترو: منظره این صورت‌ها در ازدحام جمعیت گلبرگ‌هایی بر یک شاخه سیاه خیس»

- ۱) دادائیسم
- ۲) اکسپرسیونیسم
- ۳) سوررئالیسم
- ۴) ایمازیسم

- ۳۲- از منظر نشانه‌شناسی، کدام مورد دارای انگیختگی معنایی در دال نیست؟

- ۱) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم مخور
- ۲) گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
- ۳) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
- ۴) ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند

براساس کدام نوع نقد، استعاره و مجاز مرسل جزو بنیانی سازوکارهای ضمیر ناخودآگاه به شمار می‌رود؟

- ۱) کهن الگویی
- ۲) لاکانی
- ۳) فرمالیستی
- ۴) ساختاری

- ۳۴- کدام متفکر منتقد ادبی، تحت تأثیر آرای سوسور نبوده است؟

- ۱) ولادیمیر پراپ
- ۲) کلودلوی استراوس
- ۳) جاناتان کالر

- ۳۵- براساس نظریه نقش‌های زبانی رومن یاکوبسن در بیت زیر، چه نقش‌هایی مشاهده می‌شود؟

«حد قدم مپرس که هرگز نیامده است در کوچه حدوث عماری کبریا»

- ۱) ادبی، ترغیبی و ارجاعی
- ۲) ادبی، فرازبانی و عاطفی
- ۳) ترغیبی، ادبی و عاطفی

بلاغت:

۳۶- آرایه‌های «متناقض نما - حسن تعلیل - اسلوب معادله - استخدام» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

الف- از آن مژگان او دست دعا بر آسمان دارد
که دائم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش
کشت ما را و دم عیسی میریم با اوست
چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است
در چمن بید از غم بی حاصلی مجنون شود

۱) «ج»، «د»، «الف» و «ب»
۲) «ب»، «الف»، «د» و «ج»
۳) «د»، «الف»، «ج» و «ب»

۳۷- در کدام مورد به آرایه‌های بیت زیر به درستی اشاره شده است؟

صبا به غالیه سایی و گل به جلوه‌گری
ایهام - لف و نشر مرتب - تشخیص - تضاد
تشبیه - ایهام تناسب - کنایه - مجاز

۱) لف و نشر مشوش - استعاره - ایهام - حسن تعلیل
۲) مراعات نظیر - ایهام - متناقض - حسن تعلیل

جان در رهش دریغ نباشد نشار کرد»

۱) تعظیم و استیناس
۲) تعجیز و استرحام

هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد»

۱) ایهام
۲) ایهام تناسب

۱) استبطاء
۲) تمهید برای تقریر خبر
۳) در بیت زیر، چه صنعتی وجود دارد؟
۴) سر چیست تا به طاعت او بر زمین نهند

۳۹-

راه عشق ارچه کمینگاه کمان داران است
۱) اسلوب الحکیم
۲) ایهام تبادر

روی در رای تو آورده که وی شاهد وی
ز خرگاه خلخ ب رآورد سر
چون یونش دوباره به صحراء رفکند
به پیش چار خاطب چار مؤذن

۱) آسمان در طلب واسطه عقد نجوم
۲) چو خاتون یغما به خلخال زر
۳) ماهی نهنگوار به حلقوش فرو برد
۴) نعایم پیش او چون چار خاطب

۴۰-

یونس حوتی شده چون دلو آب
بر شرفش نام سلیمان درست
بال شکستند و پر انداختند
نیست عجب زدن گ وهر زنگ

۱) ممدوح ابیات زیر، در کدام مورد متفاوت است؟
۲) یوسف دلوی شده چون آفتاب
۳) نسبت داودی او کرده چست
۴) همسفرانش سپر انداختند
۵) یافت فراخی گهر از درج تنگ

متون نظم - متون نثر:

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی»
می کشد مکتوب خاکستر پر پروانه های
سفید نا شده سه هل است پی رهن گوید
قرب شه خواهی ز عالم چشم چون شه باز بند
شعله بهر خوردن خاشاک یکسر اشتهاست

یار او شو پیش او انداز سر»
۲) سالکان مجدوب
۴) پیران به یار رسیده

ز شرم لفظم گهر رخت سوی کان برد
به کعبه اندر بتان هیچ مسلمان برد؟
کسی گهر بهر سود باز به عمان برد؟
والله اگر عاشق این به که فروشان برد

۴) «د» ۳) «ب»

خرگه ماه از او شود خلدوش از منوری»
۲) ورود خورشید به برج سلطان، اوج قمر
۴) آغاز فصل تابستان

آس مان آن غبار را تسکین
فتح باب کف تو مهرگیاه
هوس فتح باب گر داری
به رتیغ تو فتح باب کند

وَجَدَتْ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَّتْ رُفَاتِي
مَعَى أَبْدًا تَبَقَّى وَ إِنْ بَلَى الْعَظَمَ
بِنْفَشَهَ زَارَ شَوْدَ تَرْبَتَمْ چَوْ دَرَ گَذَرَمْ
کَه آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

در زایچه فرات ج ویم
دل شکسته مابی زیاد و کم دارد
که پشت نقش بود در نگین به روی نگین
ای مردمان که دیده است جزوی ز کل زیاده

- ۴۲ مفهوم کدام مورد به مفهوم بیت زیر، نزدیک تر است؟

«من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست

۱) تا کجا روشن بود کیفیت اسرار عشق

۲) به عشق عین طلب شو که دیده یعقوب

۳) وصل حق بیدل نظر بر بستن است از ماسوی

۴) عاقبت نقش دو عالم پاک خواهد کرد عشق

- ۴۳ کدام مورد، توصیف دقیق تر بیت زیر است؟

«هر که را بینی طلبکار ای پسر

۱) جویندگان حقیقت

۳) مجدوبان سالک

- ۴۴ مفهوم کدام مورد، با موارد دیگر متفاوت است؟

الف - ز عکس طبعم بهار جلوه بستان دهد

ب - به مسجد اندر سگان هیچ خردمند بست

ج - نظم گهر گیر تو گفته خود سر به سر

د - کس این سخن بهر لاف سوی عراق آورد؟

۱) «ج» ۲) «الف»

- ۴۵ در بیت زیر، به کدام مورد اشاره شده است؟

«بنگه تیر از او شود روضه صفت به تازگی

۱) ورود شمس به برج دو پیکر، اوج عطارد

۳) آغاز طراوت بهار

- ۴۶ معنی «فتح باب» در کدام مورد متفاوت است؟

۱) آخر از فتح باب صحت داد

۲) بردمان د زش ملء آتش

۳) در صحبت به روی خلق بند

۴) هر کجا خشکسال عافیت است

- ۴۷ مفهوم اصلی کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟

۱) نه پنج روزه عمر است عشق روی تو ما را

۲) و عنده منهَا نَشَوَهْ قَبْلَ نَشَأَتِي

۳) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست

۴) از آن به دیر مغانم عزیز می دارند

- ۴۸ معنی نقش در کدام بیت متفاوت است؟

۱) ای نقش زیاد طالع من

۲) ز نقش های غریب آنچه جام جم دارد

۳) بلندنامی غربت زیاده از وطن است

۴) چون آینه است عالم نقش کمال عشق است

- ۴۹- گوینده ابیات زیر، با توجه به تلمیح تاریخی آن کیست؟

من بنده بی‌گننه نشدم کشته رایگان
تیری که شه به قصد نینداخت از کمان»

۳) امیر معزی ۴) عسجده

منت خدای را که به فر خدایگان

منت خدای را که به جانم نکرد قصد

۱) غضایری ۲) ازرقی

- ۵۰- مفهوم بیت زیر از انوری، در کدام مورد آمده است؟

«گنج آنسز گنج قارون بود اگر نی کی شدی

۱) بی ارزش بودن مشتریان فقیر در بازار

۳) موقتی و بی ثبات بودن ثروت مادی انسان

- ۵۱- شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید می کند؟

«هست در وصف او به وقت دلیل

۱) رد نظریه مشبهه و معطله درباره توصیف خداوند

۳) رد نظریه منزهه درباره خداوند

- ۵۲- کدام مورد، با معنی ابیات زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«دزی سرشن بر اوچ رخشنده مهر

ز بالاش گفتی که در ژرف چاه

۱) در بالای آن برج خورشید که چشمۀ فلک است در برج حوت مانند چشم ماهی به نظر می رسید.

ره پر خمش نر دبان س پهر
فلک چشمۀ و چشم ماهی است ماه»

۲) وقتی به بالای برج می رفتی انگار در چاه ژرفی هستی که آسمان به نظرت مثل چشمۀ است و برج حوت شبیه چشم ماهی

۳) بلندی برج آسمان را چشمۀ چشمۀ و سوراخ کرده بود و ماه را هم چون چشم ماهی که بسته نمی شود خیره

ومات کرده بود.

۴) برج آن قدر بلند بود که در بالای آن، آسمان هم چون چشمۀ ای در چاهی ژرف به نظر می رسید و ماه مثل چشم ماهی بود در آن چشمۀ

- ۵۳- بیت زیر، با کدام مورد، نزدیکی معنایی بیشتری دارد؟

«اذا رجُوتَ المَسْتَحِيلَ فَانْمَا

۱) صبر ما از دوستان ناممکن است

۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا

۳) کشتگان سرمهوم قهر ترا

۴) گر کسی را طاقت تسلیم نیست

- ۵۴- بیت زیر، توصیف کدام گروه است؟

«زهـدـ کـهـ درـ زـرـکـشـ سـلـطـانـ بـودـ

۱) پشمینه پوشان زرد دوست

۳) دارایان زاهد

- ۵۵- مفهوم واژه های مشخص شده در کدام عبارت نادرست است؟

کان گوهر تمام عیار ارزد این بها (فقیر)

بتخانه ساختن ز نظرگاه پادشا (چشم)

تا «طرقوا» زنان تو گردند اصفیا (چاکر)

این غول دار بادیه را کرد زیر پا (گیتی)

۱) دنیا به عرض فقر بده وقت «من یزید»

۲) در دل مدار نقش امانی که شرط نیست

۳) با سایه رکاب محمد عنان در آر

۴) آن شب که سوی کعبه خلّت نهاد روی

چون زمین افتاد قابل دانه گوهر می‌شود
کف در این دریای گوهرخیز عنبر می‌شود
اشک بلیل رنگ چون گرداند شبنم می‌شود
چون بخار از گل برآید ابر نیسان می‌شود
تشنه دیدار کی قانع به کوثر می‌شود

که رستم در کمین است و نهنگی زیر خفتش
مخور کرفس که پرکردم است صحن سرای
دفع این افعی پیچان چه کنم؟
تا بر این چشم و چراغ انجمن بگریستی

زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
که بخشش ازلش در می مغان انداخت
هوای مبغچگانم در این و آن انداخت
نصیبۀ ازل از خود نمی‌توان انداخت

۴

۳

۳

۴

تاج شاهان را ز تاج هدهدان

۲) دانستن برتری علماء بر نادانان
۴) دانستن فرق صوفیان حقیقی و مدعیان

نه از آن که جو چو زر گوهر شدهست

۲) مصاحب سبب ساخت نمی‌شود.
۴) بی‌عنایت، تغییر ممکن نشود.

ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاده والم بر سبیل اعتذار بر پای ایستاد ... انگشت‌ها مانند اصابع مدری
برهنه ماند و کف چون پنجه مریمی عاری شد.»

۱) پاهایم ورم کرد و درد گرفت و انگشت‌نمایانه مانند انگشت شانه لاغر شد و دستم خالی ماند.
۲) دشمن برای استغفار به پای من افتاد و سخن‌چین برای عذرخواهی در برابر من ایستاد انگشت آنها از توطنه (نوشتن علیه من) برهنه شد و دستشان مانند گل مریم خالی شد.
۳) پاهایم باد کرده بود اما درد از من دوری می‌کرد و به احترام من دور ایستاده بود. انگشت‌نمایانه را از زیور انگشت‌تر برهنه کردم و دستم را مانند پنجه حضرت مریم (از مال دنیا) خالی کردم.
۴) و آن گروه برای عذرخواهی به پای من افتادند و به خواست من بعد از عذرخواهی سرپا ایستادند. انگشت آنها مانند چوب خالل از هر توطنه‌ای خشک شد و دستشان مانند گل مریم از همه چیز برهنه شد.

-۵۶- بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی بیشتری دارد؟

«زان رخ گلگون عرق یاقوت احمر می‌شود

۱) سبزه زنگار در تیغ تو جوهر می‌شود

۲) گلشن حسن از بهار عشق خرم می‌شود

۳) جان ز ترک جسم چون گوهر فروزان می‌شود

۴) پیش ببل جای گل هرگز نمی‌گیرد گلاب

در کدام مورد، باور عامیانه‌ای به چشم نمی‌خورد؟

۱) چو بیژن داری اندر چه محسب افراسیاب آسا

۲) مساز عیش که نامردم است طبع جهان

۳) فلک افعی تن زمرد سلب است

۴) کاشکی خورشید را زین غم نبودی چشم درد

-۵۷- مفهوم کدام بیت، با ایات دیگر متفاوت است؟

الف - نبود رنگ دو عالم که نقش الفت بود

ب - مگر گشایش حافظ در این خرابی بود

ج - من از ورع می و مطرد ندیدمی زین پیش

د - کنون به آب می‌لعل خرقه می‌شویم

۱) «الف» ۲) «ب»

-۵۸- مفهوم بیت زیر چیست؟

«بانگ برسته ز برسته بدان

۱) دانستن حال افراد مختلف از ظاهر آنها

۳) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و صدای مدعیان

کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

-۵۹- «در ترازو جو رفیق زر شدهست

بنابراین

۱) تغییر در ذات ممکن است.

۳) همنشین ارزشمند، ارزشمند می‌کند.

-۶۰- معنی کدام گزینه، با عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاده والم بر سبیل اعتذار بر پای ایستاد ... انگشت‌ها مانند اصابع مدری

برهنه ماند و کف چون پنجه مریمی عاری شد.»

۱) پاهایم ورم کرد و درد گرفت و انگشت‌نمایانه مانند انگشت شانه لاغر شد و دستم خالی ماند.

۲) دشمن برای استغفار به پای من افتاد و سخن‌چین برای عذرخواهی در برابر من ایستاد انگشت آنها از توطنه (نوشتن علیه من) برهنه شد و دستشان مانند گل مریم خالی شد.

۳) پاهایم باد کرده بود اما درد از من دوری می‌کرد و به احترام من دور ایستاده بود. انگشت‌نمایانه را از زیور انگشت‌تر برهنه کردم و دستم را مانند پنجه حضرت مریم (از مال دنیا) خالی کردم.

۴) و آن گروه برای عذرخواهی به پای من افتادند و به خواست من بعد از عذرخواهی سرپا ایستادند. انگشت آنها مانند چوب خالل از هر توطنه‌ای خشک شد و دستشان مانند گل مریم از همه چیز برهنه شد.

۶۲- کدام مورد، متن زیر را تکمیل می‌کند؟

«وَمَا السَّلْطَانُ إِلَّا الْبَحْرُ عَظِيمٌ وَقُرْبُ الْبَحْرِ مَحْذُورٌ الْوَاقِبُ»

چرا که

۱) هر که بر درگاه ملوک از عملی که مقلد آن بوده است معزول گشته یا به دشمن سلطان التجا یافته نشاید فرمود پادشاه را در فرستادن او به جانب خصم.

۲) تربیت پادشاه بر قدر منفعت باید که در صلاح ملک از هر یک بیند چه اگر بی هنر ان خدمت اسلاف را وسیلت سعادت سازند خلل به کارها راه باید.

۳) پادشاه بر اطلاق اهل فضل را به کمال کرامات مخصوص نگرداند لکن اقبال بر نزدیکان خود فرماید که به وسایل و قبول محترم باشند.

۴) یکی از سکرات ملک آن است که همیشه خائنان را به جمال رضا آراسته دارد و ناصحان را به وبال سخط مأخوذ.

۶۳- کدام گزینه درست است؟

۱) آنکه چون گنج قارون خاک خورد شود، به مرور به فراموشی سپرده شده است.

۲) آنکه مواضع حقوق را به امساك نامرعي گذارد، قناعت پيشه اي خرسند است.

۳) چون اتفاق در نتیجه کارها معتبر است نه استحقاق، کارهای خلائق به خلاف آن بر انواع مختلف و فنون متفاوت رود.

۴) آنکه به تمویه اصحاب غرض روی به امضای حکم آورد بی ایضاح بیان عزیمت را در اقامت حدود جاری نمی‌کند.

۶۴- «صحبت اشرار مایه شقاوت است و مخالطت اخیار کیمیای سعادت» و مثل آن چون

۱) گل دورویی است که هر کرا همت وصلت آن باشد دسته اش به خار مجرح گردد.

۲) تربیت مار است که مارگیر اگرچه در تعهد وی بسیار رنج برد آخر خوشت روزی دندانی بدو نماید.

۳) انگشت است که آلت قبض و بسط است و چون مار بر آن بگزد و مشقت مباینت آن را عین راحت شمرند.

۴) باد سحری است که اگر بر ریاحین بزد نسیم آن به دماغ رسد و اگر بر پارگین گذرد از بوی آن حکایت کند.

۶۵- مناسب‌ترین گزینه برای تکمیل عبارت زیر، کدام است؟

«من از راه تفادی آخر ما فی الجعبه برو خواندم و او از سر رجوع از تمادی بر من خواند و زمام مراد از قبضه عناد به من داد.»

۲) أعطیت القوس باریها

۱) دونه بیضُ الأُنُوق

۴) لیسَ فِي الْبَيْتِ سِوِيَ الْبَيْتِ

۳) حظٌ جَزِيلٌ بَيْنَ شِدَقَيِ ضَيْغَم

۶۶- مفهوم مشخص شده برای هر عبارت، در کدام گزینه، درست است؟

۱) کوه دامن پیراهن گازری تا کمرگاه درنوردید: جز اندکی برف بر قله، باقی ذوب شد.

۲) خُلَالاتُ ثُعُورَ ازْ بَنْ دَنَانَ بَرَكَنَدَ: هر مشکلی را که در مزها بود از بین برد.

۳) سِيرَالسَّحَابِ تَحْتَهُ رِيحُ الْجَنُوبِ مَى رَانَدَمْ: با اکراه و کندی حرکت می‌کردم.

۴) جوهر شب‌افروز با شبه درآمیخت: خورشید غروب کرد و شب شد.

۶۷- ادامه متن زیر، کدام مورد است؟

«چهره جمال حقیقت را برقع تعزز فروگذارید»؛ بنابراین

۱) جمال حقیقی حضرت دوست را عزیز بدارید.

۴) برابر حضرت احادیث از عزت و بقای خود دست بشوید.

۲)

۳)

-۶۸- کدام گزینه، با معنی عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«اگرچه موارد راحت به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره مورد آمال به خدشات احوال احداث مغبر، فی اهنا شرب و امراه روزگار گذرانید»

۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربه‌های بسیار قرار گرفته و خدشه‌دار شده بود و احوال جوانی او دگرگون شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می‌کرد.

۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنقدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مثل گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آبشوری گوارنده روزگار گذرانید.

۳) هرچند گل‌های مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش می‌آمد و برگ گل سرخ آرزوهاش به سبب آسیب‌های پیاپی پرپر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.

۴) هرچند آبشورهای آرامش به زخم درون گل‌آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیاپی دگرگون شده بود در گوارنده‌ترین آبشوری روزگار گذرانید.

-۶۹- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟

«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می‌آورند و آن را به لطایف‌الحیل پرورش گوناگون می‌دهند تا آینه می‌شود، وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می‌باید آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج»

۱) که «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكِسِرِ قَلْوِبُهُمْ مِنْ أَجْلِي»

۲) چنانکه می‌فرماید: «بِيَدِهِ مُلْكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ»

۳) أَنَّ الْقَنَاهُ الَّتِي شَاهَدَتِ رَفَعَتْهَا

۴) که «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَهُ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجَبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلُنَّهَا»

-۷۰- مفهوم عبارت‌های مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

«و سعید صراف کخدای غازی به آسمان سد و لکل قومِ یوم ... و خداوندش در دلو شد ... در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا بعد العز والرفعه صار حارس الدجله»

۱) فوت کرد - گرفتار شد - از عرش به فرش افتاد.

۲) آدم مهمی شد - در زندان شد - باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.

۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی‌ارزش گماشته شد.

۴) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.

-۷۱- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

«آنکه در معاطلات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،»

۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.

۲) طرب اوtar بر طلب اوtar ترجیح نهد.

۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.

۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرم‌سری در باقی کند.

-۷۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟

«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشت او به مكافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهدرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»

۱) عقال عقل گسیختن

۴) دوستی به دشمنی منتهی شدن

۱) ژاژدرا بیدن

۳) مقام تحرز نشناختن

۷۳- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

اما حواس باطن؛ اول حس مشترک است و او قوتی است ترتیب کرده در تجویف اول از دماغ که».

- ۱) آن را ذاکره نیز خوانند و او قوتی است که آنچه قوت و همی دریابد از معانی نامحسوس او نگاه دارد.
- ۲) کار او آن است که آن جزئیات را که در خیال است با یکدیگر ترکیب کند و از یکدیگر جدا کند به اختیار اندیشه.
- ۳) دریابد معانی نامحسوس را که موجود باشد در محسوسات جزئی چون آن قوتی که بزغاله فرق کند میان مادر خویش و گرگ.
- ۴) قابل است به ذات خویش مر جمله صورت‌ها را که حواس ظاهر قبول کرده باشند و محسوس آنگاه محسوس شود که او قبول کند.

۷۴- معنی واژه‌های مشخص شده چیست؟

«من چندانکه تبصیص و تعدد زیادت کنم ملک زاده در تمرد و تجلد زیادت می‌کند و می‌پنداشد که ضراعت و استکانت از غلبه فضایل اوست.»

- ۲) مهربانی - غرور - قدرتمندی
- ۴) چاپلوسی - سرکشی - مقام والا داشتن
- ۱) رشوه دادن - غرور - نزد برتر داشتن
- ۳) چاپلوسی - سرکشی - فروتنی

۷۵- مفهوم عبارت زیر چیست؟

«اگر با این استجماع اسباب کمالش شرف عصامیه با عظامیه ضمیبدی و در بعضی احوال صحو و سکر اظهار آثار لوم و دنائت نکردی او را عدیم النظیر شایستی گفتن.»

- ۱) هنر داشت اما اصل و نسب نداشت.
- ۲) اصل و نسب داشت اما هنری نداشت.
- ۳) پاکدامن بود اما در کار استخوان خرد نکرده بود. (بی تجربه بود)
- ۴) بزرگ بود اما در باده‌نوشی افراط می‌کرد و در مستقی مرتکب معاصی می‌شد.

۷۶- این عبارت مؤلف مرزبان نامه، در توصیف کدام کتاب است؟

«رسایل مجموعی از مکاتبات منتجب بدیعی که به بدایع روایع کلمات و نکات مشحون است. لطف از متنات در آویخته و جزالت با سلاست آمیخته»

- ۲) التوسل الى الترسيل
- ۴) دستور دبیری
- ۱) عتبه الکتبه
- ۳) دستور الکاتب فی تعیین المراتب

۷۷- با توجه به معیارهای اخلاق فلسفی، کدام گزینه برای کامل‌کردن عبارت زیر، مناسب‌تر است؟
شجاع بحقیقت آن بود که»

- ۱) به عذاب و نکال و مثله رضایت دهد تا اسم و ذکر در میان ابنای جنس باقی و شایع گرداند.
- ۲) حذر او از ارتکاب امری قبیح زیادت از حذر او باشد از انصرام حیات
- ۳) خویشتن را در ورطه‌های مخوف اندازد و مرگ بر حیات اختیار کند.
- ۴) بر مبادرت حروب و رکوب احوال قیام نماید.

۷۸- کدام مورد، مفهوم ضربالمثل «اذا اعشَّبَتْ فانِزِل» را دربر دارد؟

زیبا به گه شکار، پیروز به جنگ
فلا تَقْنَعَ بما دون النجوم
مت فی مَدَاك فلا تُجاوز
بود خوشتر از عمر هفتاد سال

- ۱) با همت باز باش و با رای پلنگ
- ۲) اذا ما كنتَ فی امر مَرْوَم
- ۳) و اذا انتهیت الی السلا
- ۴) مرا شربتی از پس بدسگال

۷۹- کدام مورد، در ارتباط با متن زیر است؟

«گفته‌اند انَّ الذلِيلَ الذِي لِيَسْتَ لَهُ عَضْدٌ يَعْنِي اعْوَانَ صَدْقَ وَ اخْوَانَ صَفَّا كَهْ وَجْوَدِ اِيَشَانَ اَزْ ذَخَابِرِ رَوْزِ حاجَتْ باشَدْ وَ اَزْ عَوَاصِمِ زَخْمِ آفَتْ وَ بَنَّگَرْ كَهْ چَوْنَ بَهْ تَوازَرْ وَ تَعَاوَنْ دَسْتِيَكَى مَىْ كَنَنْدْ با پَيْكَرْ پَيْلْ وَ هِيَكَلْ گَاوَمِيشْ چَهْ مَىْ رَوْدْ.»

۲) خَيْرُ الْاَشْيَاءِ جَدِيدُهَا وَ خَيْرُ الْاخْوَانِ قَدِيمُهَا

۴) تَأْبَى الْقَدَاحُ اِذَا جَمِعَنَ تَكْسِرَا

۱) وَ لَا عَدَا الْوَابِلُ مَغَانِكُمْ

۳) وَ اُمْرُكْ عَالِ صَاعِدٌ كَصَعْوَدِهِ

۸۰- کدام مورد، عبارت زیر را کامل می‌کند؟

«(بهرام گور) در جایی که دلال شمشیر او در روزبازار معركه ارواح را من یزید کردم ...».

۱) مَنَاعَ حَيَاتَ عَظِيمٍ اَرْزانَ بُودَى

۲) مَوَادَ زَحْمَتَ اَعْدَادَ رَا مَنْدَفَعَ كَرَدَى

۳) رَسْتَمَ دَسْتَانَ پَيْشَ او دَاسْتَانَ مَرْدَى خَوْدَ نِيَارَسْتَى زَدَ

۴) در خصم‌شکنی و دشمن‌فکنی بر مردان جهان فسوس کردم

Www.arabimahya.com